

# لوحی خطاب بجناب آقا میرزا طرازالله

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



لوحی خطاب بجناب آقا میرزا طرازالله راجع بوقایع و صدمات و لطمات وارده بجناب سمندر

میفرمایند ... حضرت عبدالبهاء , محاضرات جلد ۱ صفحه ۲۸۴

ای نهال بهمال بوستان الهی حضرت ابوی با کمال شوق و شادمانی طی مسافت نمود و قطع جبال و تلال و دریا و دره و صحرای پرمشقت فرمود فنعیم ما قال ریگ هامون و درشتهای آن پای ما را پرنیان آید همی ولی چه فائده که بحض وروود با والده و اخوی قصد زیارت تربت محمود نمود و بجزرد وصول و ملاقات همشیره مخدوع لقمه چرب و شیرینی میل فرمود و ورقه مظلومه امه‌البهاء والده و جوان نو رسیده جناب اخوی یک فصل کامل طباخچه و کتک و سیلی و دگنگ میل فرمودند هینتا مرینا جای شما خالی سفره بسیار رنگین بود و نقل شیرین و پسته و بادام مقشر و نمکین و بعد از آن محض هضم طعام دعوی افترائی نیز در حقتشان قائم شد که دست تعدی گشودند و داد ستم و خود پرستی دادند اشخاص بهمراه خویش یعنی ابوی آوردند پرده عصمت فرزند خویش دریدند و مراعات عفت نپسندیدند دست بگیسو دراز نمودند و بیکسو سراسیمه کشیدند زدند و بستند و بدن خستند و آنچه خواستند کردند خلاصه الان حضرت ابوی از گیر گرام کاتبین مستطع رستند تو مفت جان بدر بردی از برای تو این کتک و دگنگ مهیا بود و سفره ضیافت مهنا جانی رایگان از این احسان نجات دادی اگر میل داری بسم الله تا در پیشه ترکه و دگنگ موجود پیشه حضرات این اندیشه منما نهایتش سر و دستی شکسته یابی و دست و پا بسته بینی و تن خسته گردد و شکایت و فریاد از ظلمت بحکومت پیوسته گردد و از این ماجری چون پسته خندان گردی و چون زرگس دیده حیران گشائی و چون بنفشه از کثرت درد و تعب خراب بر زمین افی و چون گل از پیرامنی خار نازنین گردی اگر میل داری زودی پیا زودی بیا سفره حاضر است و میزبان منتظر دیگر گله مکن و شکایت منما نهایت بذل و بخشش و کرامت در ضیافت دارند بر عکس سفر سابق معامله خواهند نمود و البهائ علیک .

(( ع ع ))



ORIGINAL